

نماینده‌گی یا وکالت (اشتراک و افتراق نهاد «نماینده‌گی» و «وکالت»)

پدیدآورده (ها) : ویژه، محمد رضا

ادبیات و زبانها :: خردنامه همشهری :: خرداد 1387 - شماره 26

از 78 تا 78

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/568273>

دانلود شده توسط : محمد مهاجری

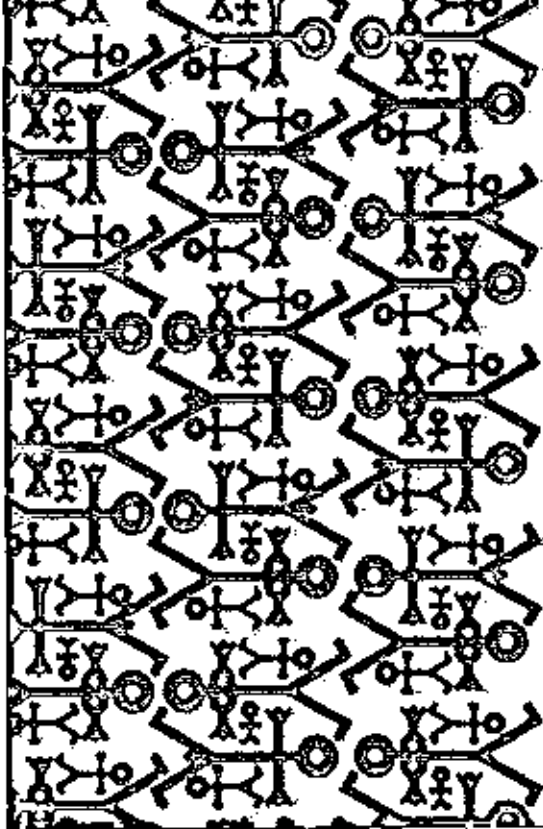
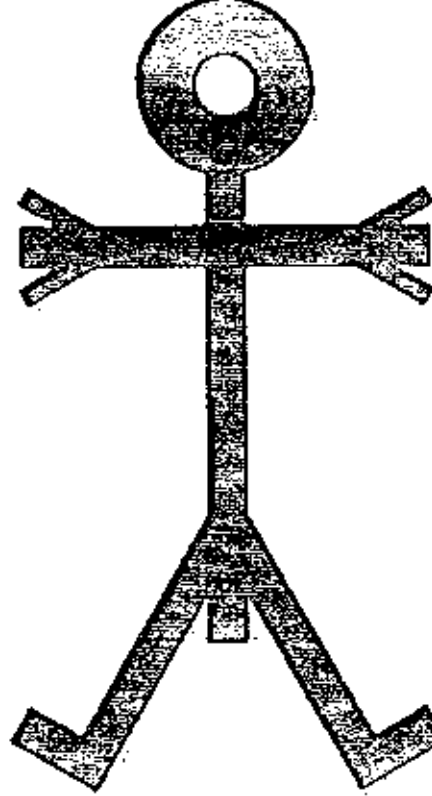
تاریخ دانلود : 13/05/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir



نماینگی نشان داده بودند یا مشروعیت و مجلس شورای ملی به وجود آمده در ایران، فاصله و شکاف عمیقی وجود داشت؟^{۱۱}

جنبه مهم دیگری که در تبیین واژه گونه نهاد نمایندگی، در کشورمان دیده می شود اختلاف این نهاد با نهاد مشورت است. البته این تقاضی نیز چون مورد پیشین به شرح در دوران مشروطیت دارد و هنوز با راه معنای حق رأی جامعه بر پایه شرایط شریعت می دقت چنان که محقق نگین به آیه مبارکه ۱۵۹ سوره آل عمران در کشور هم فی الامم استناد می کند مستطاب الدوله نیز در رساله مشهور «یک کلمه» به تمایز این دو مفهوم توجهی نشان نداده به آیه فوق استناد کرده است.^{۱۲} «بهر حالی که مشورت به رأی و نظریه و تفویضی حسن و فواید بسیار حاصل است در حالی که مجلس های شور و مجالس های تفسیری قانون های هستند که منشأ آنها را دعوات از راه است»^{۱۳} «بدین بیان مشورت حاکم عازم به رعایت نظر مشورت نیست ولی در نمایندگی این نمایندگی است که اعمال حاکمیت من کند به پول بمگر مشورت همواره نفسی مکمل دارد در حالی که نقش نمایندگی به طور کلی پارلمان حاصلی و یکی از قوای حاکم است.

نتیجه

از آنچه گفتیم چنین می توان نتیجه گرفت که نهاد نمایندگی، پدیده ای مدرن و مربوط به حوزه عمومی است و گرچه در نهاد حاکمیت در حوزه خصوصی پرشده دارد ولی عناصر تشکیل دهنده و ویژگی های کلان استقنونی را در استاده از این روی قیاس آن با عقد و کالت کلان الفراق است و افزون بر این می تواند توالی نامطلوبی را برای نهاد نمایندگی به دنبال داشته باشد و آن را در چهار چوب محدود «وکالت» محسوب کند در نهایت این پرسش مطرح می شود که اساساً چه نیازی وجود دارد که نمایندگی را بر قالب عقد و کالت تفسیر و تحلیل کرد؟ هنگامی که نهادی در حوزه حقوق عمومی دارای ویژگی های منحصر به خویش است و کارکرد آن نیز مشخص است چرا باید کار کرد های آن را با احد یک عقد حقوق خصوصی و وکالت؟ به نظر می رسد که نه گسترش عقد و کالت و مبانی فقهی آن به اموری که خارج از حوزه آن قرار دارد مغزوب به صلاح باشد و نه کاهش کارکرد های نهاد نمایندگی به آنچه در گذشته ای نظام حقوقی کشورمان حاصل شده است.

پانویسها

- در حوزه حقوق خصوصی نظیر همین اختلاف را در امرای قضایای ایران می بینیم که برخی بر لزوم گنجایش فرزند های مستقیم و غیره در قالب مقصد معین تصریح کرده در فقه ای می فشرینند در حالی که به صورت می توان این عنوان را در جمله ۱۰ قانون مدنی تحلیل کرد.
- Sieyta
- PITKIN (H.), *The Concept of Representation*, Berkeley, California University Press, 1967, p.45.
- Cf. JAUME (L.), «Représentation», in *Dictionnaire de philosophie politique*, Paris, P.U.F., 2005, p.651.
- در کتب فقهی دولت در کتب ملته خرفله مشهوری است ۲۵ فروردین ۱۳۷۲ بهشت ۱۳۷۲.
- JAUME (L.), «Représentation», in *Dictionnaire de la culture juridique*, Paris, Lamy/P.U.F., 2003, p.1336.
- در گری از اختلافات بین رساله مشروطیت تهران، کبیر ۱۳۷۲، ص ۹۲.
- احمدی، *مفاهیم و اصطلاحات سیاسی*، تهران، انتشارات ۱۳۸۲، ص ۳۸.
- احمدی، *مفاهیم و اصطلاحات سیاسی*، تهران، انتشارات ۱۳۸۲، ص ۳۸.
- فریدی، *حکومت نظام سیاسی و دولت در اسلام*، چاپ و تجدید نظر در بهشت ۱۳۸۲، ص ۳۴.
- میرزا یوسف خان نیریزی (مستطاب الدوله)، یک کلمه به معنی علمای طایفه اهل بیت است، تهران، سال ۱۳۲۶، ص ۵۴.
- طباطبایی، *مفسر جامع نظر به حکومت قانون* در ایران، تهران، سنده ۱۳۲۶، ص ۳۳۴.

نمایندگی یا وکالت؟

اشتراک و افتراق نهاد «نمایندگی» و «وکالت»

دکتر محمدرضاویزه

نمایندگی، از مفاهیم بنیادین حقوق عمومی و فلسفه سیاسی است که به لحاظ اینکه مبانی مشهورترین نوع حکومت است از اهمیت ویژه ای برخوردار است به عبارتی دیگر شناخت مفهوم نمایندگی به مثابه کلید و راز بسیاری مفاهیم دیگر مربوط به مفهوم مدرن حکومت قلمداد می شود. از این مشروطیت که مفاهیم نوین حقوق عمومی در اندیشه سیاسی کشورمان ریشه یافت است نمایندگی، مورد پرورش بسیاری از روشنفکران و علمای بود فقنان شناخت کافی از این مفاهیم و دسترس شکل گیری آنها به تشنگی موجود در مورد آنها در این زمانه بهترین راه آن بود که مفاهیم بسیاری از اندیشه متدین هم در آنها مفاهیم مدرن را با توسل به مفاهیم سنتی از جنک به آنها می پیوندانند و گاه در آن قالب تحلیل می گردانند. این روند عموماً در هر دو سوی شناخت کار کرد های فوریت این مفاهیم به دنبال داشته نمایندگی، نیز در همین قالب تحلیل شد و اکنون نیز به جاری بر تحلیل آن در قالب عقد و کالت پای می فشرند.

این روی لازم است که ابتدا پایه های نهاد نمایندگی در حقوق عمومی و فلسفه سیاسی غرب تبیین و سپس به افتراق و اشتراک آن با نهاد «وکالت» به عنوان مفهومی شرعی در نظر گرفته شود.

مبانی نهاد نمایندگی

نهاد نمایندگی، نهادی است که نظر به میزان آن عموماً به دنبال آن بودند تا جامعه از لحاظ آزادی و امنیت خویش آسوده خاطر باشد به باور آنان به جای حکومت فراقده این قانون است که باید بر مردم حکم رود و آن هم باید منشعب از اراده مردم باشد. چگونه این چنین رابطه ای بین مردم و قانون حاکم امکان دارد؟ هر دو نمایندگان را می گردانند و نه جای آنان قرار این حاکم را تصویب کنند به این «نمایندگی» پدیده ای که کلاً بر مبنای اعمال حاکمیت است فلسفه تفسیری این نهاد مانند بسیاری دیگر از نهادهای حوزه عمومی، از نهاد است. لایه در حوزه خصوصی هم عقد و کالت نشأت می گرفته در واقع نظریه بر تازگی مانند منتس، کیوو، سیسی^{۱۱} و رابطه و کالت در حوزه خصوصی را ویژگی های حوزه خصوصی وفق دادند و نهادی نوین به نام «نمایندگی» را عرضه کردند از این روی نهاد نمایندگی با مفهومی بنیادین به نام «وکالت» عموماً در مردم بوده بودند خورد در این رویکرد تفاوتی مصوب نمایندگان مردم به صفا به تجلی اراده عمومی بود و هر یکی از کشورها مانند فرانس، چین، ایستری، ایالت که محدودیت آن حتی به چهار چوب قانون اساسی امکان پذیر نبود به برای دیگر خصوصیات نمایندگان مردم نوعی اقتدار است یا نه؟ به این است که نقش واسطه ای که نمایندگان در این بین می یابند و گاه بر خلاف اراده مردم عمل می کنند مورد انتقاد اندیشه مدین برج تالی چون ژان ژاک روسو و هگل قرار گرفته است. از این منظر، شاید بتوان به روسو حق داد زیرا این نقش واسطه نمایندگی و اختیار نام او پس از انتخاب به این سمت نامی که می شود در نظر این اندیشه متدین می باشد.

که در این زمینه می توان بابت در دست اختیارات است و کمال اختیاری را در است که موکل خود را این بهر مند است در حالی که در عقد تصدی های سیاسی نمایندگی از اختیارات بهره مند است که رأی دهندگان را از آنها خور دار نمهند.

به علاوه رابطه و کالت تنها با موکل اوست اما نمایندگی به رأی اکثریت برگزیده می شود و نمایندگی برای دهندگان و تمام کسالی است که به او رأی نداده اند یعنی به زبان فقهی و کالتی به وی توفیق نکرده اند. باری، اکنون در نظام های حقوقی وظایف نمایندگی تنها به حوزه انتخابی او نیز محدود نمی شود بلکه او نمایندگی تمامی ملت را در است. پرسش این است که چگونه می توان رابطه اخیر را در چهار چوب عقد و کالت توجه کرد در حالی که آشکارا عقد و کالت بین آنها تعیین نیافته است؟

اختلافات دو نهاد موضوع جدیدی نیست و در اوایل مشروطیت هم چنین اختلاف را شاهد بودیم بسیاری از علمای آن دوره با اینکه به تبیین نهاد نمایندگی در قالب و کالت می پرداختند اما برای وکلای مجلس اختیاری بالاستقلال قائل نبودند و بر این نظر ای می فشرند که تصدی های نمایندگی باید با نظارت مجتهدین اتفاق شود در واقع همان مجتهدان و کلمه نفی الحکومه و نظارت عدلی که مجتهدین عادل و عالم به سیاست کار نمایندگان مشروع است.^{۱۲} از همین روی ناپیتی نوشتن نظامنامه را «در زمان فیهب معصوم در حکم رساله عملیه برای مسائل سیاسی و عرفی» می دادند.^{۱۳} چگونه می توان نمایندگی و کالت خود را در عین حال نظری نیز برای و کالت قرار داد؟ خوری در مبانی عقد و کالت در فقه شیعه آشکارا بیانگر آن است که تصد نامسور و و کیل خالی از وجه است چه مانند متولی نیست بلکه اعمال او نیز نظر موکل است ناظر نمایندگان تنها مردم است و این نظارت نیز خدمت اجرایی ای جز زمان انتخابات پدی ندارد به این دلیل در تقییر اندیشه متدین دوره مشروطیت از این نهاد نوعی انتقاص بر چسبده امی توان بابت این تقییر واژه گونه خبر چهار چوب مفهوم و تفهیر و کالت علمای آن دوره دیده می شود که همین مشروطیتی که آنها به آن

